

جرایم و تخلفات انتخاباتی رای دهندگان از منظر حقوق کیفری افغانستان

محمد نعیم شریفی*

چکیده

در نظام سیاسی مردم سالار، انتخابات مهم ترین ابزار برای دخالت اراده ملت در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی محسوب می شود. در نظام نوین سیاسی افغانستان نیز به لحاظ قانون اساسی حاکمیت ملی به ملت تعلق دارد و انتخابات مهمترین وسیله ای برای انتقال قدرت از مردم به نمایندگان آنها و مشروعیت بخش به تصمیم پارلمان و مقامات عالی کشور می باشد، ولی به لحاظ عملی با چالشهای جدی روبرو است. لذا پژوهش در مورد انتخابات و شناسایی و تحلیل قوانین و تدابیر مربوط به سلامت آن، برای آگاهی عمومی و تقویت قوانین و تدابیر اجرایی بسیار مهم است. مقاله حاضر به بررسی تخلفات و جرایم رای دهندگان از منظر حقوق جزا، به عنوان رکن اساسی انتخابات پرداخته است. قانون گذار افغانستان با توجه به نقش رای دهندگان در سلامت انتخابات، تدابیر مختلفی را در این زمینه پیش بینی نموده و از جمله رفتارهای مخل انتخابات از سوی آنها را تحت عنوان تخطی، تخلف و جرایم انتخاباتی ممنوع نموده و برای آنها ضمانت اجرایی اداری، مالی و کیفری مد نظر گرفته است. اما واقعیت آن است که برای تحقق یک انتخابات سالم و عادلانه تدوین سیاست منسجم، منطقی و قوانین مناسب درکنار آگاهی عمومی و امکانات فنی و مالی ضروری می باشد و تنها پاسخهای واکنشی و کیفری در این زمینه کافی نیست.

کلیدواژه ها: انتخابات، رای دهندگان، جرایم انتخاباتی، تخلف انتخاباتی، حقوق کیفری افغانستان.

مقدمه

در نظام سیاسی مردم سالار، حاکمیت ملی به مردم و یا ملت تعلق دارد و رأی مردم منشأ مشروعیت و اعتبار نهادهای سیاسی مانند پارلمان و ریاست جمهوری محسوب می‌شود و انتخابات، مهمترین ابزاری برای دخالت اراده ملت و نقش آفرینی مردم و شهروندان در شکل‌گیری نهادهای یاد شده، تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی و عرصه‌های تصمیم‌گیری به‌شمار می‌آید. وجود انتخابات سالم، شفاف، آزاد، رقابتی، عادلانه و منصفانه و اخلاقی در هر کشور منوط به وجود پیش شرط‌هایی نظیر رشد فرهنگ مردم سالاری، ارتقای آگاهی‌های عمومی، تضمین آزادی‌های سیاسی، وجود فضای رقابتی سالم، شکل‌گیری افکار عمومی خرد گرا، احزاب آزاد و فعال، مطبوعات منتقد و شکوفا، قوانین انتخاباتی مناسب و مجریان و ناظران آگاه و بصیر است. (شاهین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۵) فقدان هر یک از شرایط یاد شده، انتخابات را به جای ابزار مردم سالاری به پوشش توجیهی برای استبداد و مافیای قدرت و سیاست تبدیل می‌کند.

در نظام سیاسی نوین افغانستان نیز به لحاظ نظری، حاکمیت ملی به ملت و مردم تعلق دارد که در موارد محدود به طور مستقیم اعمال می‌کند و در اکثر موارد از رهگذر انتخابات، به نمایندگان خود در پارلمان و قوه مجریه واگذار می‌نماید (قانون اساسی، ۱۳۸۲: ماده ۴) اما در عمل به دلایل مختلف از جمله فراهم نبودن زمینه‌های فنی و اجتماعی انتخابات، باچالش‌های مهم و متعددی روبرو است. لذا وجود تدابیر منسجم و منطقی، قوانین مناسب در کنار امکانات فنی و مالی کافی و برخورد قاطع و قانونمند با متخلفان و برهم‌زنندگان نظم انتخابات تا حدودی می‌تواند از آرای مردم صیانت کند و سلامت انتخابات را حفظ نماید. به همین جهت قانون‌گذار افغانستان با تصویب قانون جامع انتخابات ۱۳۹۵ و کد جزا تدابیر متعددی را برای حمایت از سلامت انتخابات به طور کلی، پیش‌بینی کرده است و هرگونه رفتاری مخل روند انتخابات را از سوی بازیگران آن و از جمله رأی دهندگان، ممنوع نموده و برای آنها ضمانت اجرای مختلف مد نظر گرفته است. در این مقاله جرایم و تخلفات رأی دهندگان در فرایند انتخابات به طور کلی، به عنوان یکی از بازیگران اصلی در انتخابات از منظر حقوق کیفری و قانون انتخابات مورد شناسایی، تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

الف: مفاهیم

برای فهم درست موضوع و گستره آن، در ابتدا مفاهیم کلیدی این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) جرم انتخاباتی

جرم در لغت به معنای گناه، خطا، تعدی، ذنب، ناشایست و مانند آن آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸: واژه جرم). اما در اصطلاح، دانشمندان علوم مختلف تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند از جمله این‌که «هر فعل یا ترک مخالف

نهی الزامی قانون‌گذار که بر آن کیفر مترتب گردد (جرم محسوب می‌شود)» (لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۲، واژه جرم). جرم از این نظر شامل هرگونه نقض قانون می‌شود که در اثر عمل خارجی و یا ترک آن مستوجب مجازات می‌گردد. اما از آن‌جا که در حقوق جزا تعریف رسمی و قانونی جرم ملاک اعتبار است، لذا برای شناخت جرم و عناصر آن باید به قانون جزا مراجعه نمود. مطالعه قوانین افغانستان نشان می‌دهد که در قوانین جزای قبلی افغانستان، تعریفی از جرم نشده است و تنها در قانون جزای جدید این کشور جرم شده و چنین بیان نموده است: «جرم، ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد» (کد جزا، ۱۳۹۶: ماده ۲۷). بنابراین جرم از منظر کُد جزای افغانستان هر نوع عمل و ترک عملی است که صرفاً در همین قانون جرم‌انگاری شده باشد، وصف قانونی و عناصر مادی و روانی آن نیز مشخص و مجازات و یا اقدامات تأمینی برای آن پیش‌بینی شده باشد. براساس تعریف فوق برای شناسایی هر نوع جرم از جمله جرم انتخاباتی، نیز باید به کُد جزا مراجعه کرد. در این قانون با وجود این‌که مواد ۴۲۲ تا ۴۳۵ آن به جرایم انتخاباتی اختصاص دارد اما جرم انتخاباتی تعریف نشده و صرفاً مصداق آن را بر شمرده است. در سایر قوانین مربوط به انتخابات نیز تعریفی از جرایم یاد شده دیده نمی‌شود. لذا برای یافتن تعریف درست از جرایم مورد بحث باید به سراغ دکترین حقوقی رفت و البته نویسندگان زیادی به تعریف جرایم انتخاباتی پرداخته‌اند از جمله یکی از آنها با تأکید بر عنصر قانونی چنین تعریف کرده است: «جرم انتخاباتی به رفتار مخل سلامت انتخابات از زمان شروع انتخابات تا زمان اعلام اسامی منتخبین گفته می‌شود». (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۸) برخی دیگر نیز چنین تعریف نموده است: «جرم انتخاباتی به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که موجب اخلال در فرایند برگزیده شدن فرد یا افراد برای تصدی پست و جایگاهی رسمی از سوی اکثریت مردم شود و در قانون نیز برای آن مجازات تعیین شده باشد». (شاهین پور، پیشین: ۳۰) این تعاریف عام است و شامل تخلف انتخاباتی و جرم انتخاباتی هر دو می‌شود، در حالیکه بر اساس قانون انتخابات و کُد جزای افغانستان تخلفات با جرایم انتخاباتی به لحاظ مختلف از هم متمایز اند از این‌رو، تعاریف یاد شده بیان‌گر جرم انتخاباتی در حقوق کیفری افغانستان نمی‌باشد. جرم انتخاباتی را می‌توان از منظر حقوق جزای افغانستان چنین تعریف نمود: «هر عمل و ترک عملی که موجب اخلال در فرایند انتخابات از زمان شروع تا اعلام نتایج قطعی آن گردد و در کُد جزا برای آن مجازات حبس پیش‌بینی شده باشد، به عنوان جرم انتخاباتی محسوب می‌شود» بنابراین، هر رفتاری مخالف قانون و یا اخلال‌کننده در امر انتخابات که برای آن در کُد جزا مجازات حبس پیش‌بینی نشده است جرم انتخاباتی شمرده نمی‌شود و صرفاً می‌تواند به عنوان تخلف و یا تخطی انتخاباتی مورد پیگیری قرار گیرد.

۲) تخطی و تخلف انتخاباتی

تخطی و تخلف دو اصطلاح دیگری است که در قانون انتخابات برای رفتارهای مخل امر انتخابات ذکر شده است. از نظر لغت؛ تخلف به معنای خلاف کردن، خلاف وعده کردن، خلاف گفته یا پیمان خود عمل کردن است (عمید، ۱۳۸۱: ج ۱/۵۵۱). اما در اصطلاح در دو مورد کار برد دارد ۱- سرباز زدن از مقررات انتظامی یا اداری به وسیله مردم و یا کارمندان دولت، مؤسسات عمومی مانند تخلفات رانندگی و تخلفات اداری. ۲- تخلف در حقوق مدنی که در مورد معاملات و تعهدات کار برد دارد (لنگرودی، ۱۳۸۱: واژه تخلف). تخلف به عنوان جرم اداری عبارت است از «فعل یا ترک فعلی که به طور ارادی از کارمند خدمات ملکی صادر شده و باعث اخلال به تکلیفی از تکالیف قانونی او گردد» (دانش، ۱۳۹۲: ۳۱۱).

واژه تخطی نیز از نظر لغت هم معنا و مرادف با کلمه تخلف ذکر شده و به معنای خطا کردن، از حد تجاوز کردن و سرپیچی کردن آمده است (انوری و همکاران، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۶۵۷) و از نظر اصطلاحی نیز در معنای مرادف اصطلاح تخلف استعمال می شود. (دانش، ۱۳۹۲: ۳۱۱) از این رو، در ماده ۵۳ قانون انتخابات ۱۳۸۳، تخلفات انتخاباتی تحت عنوان تخطی های انتخاباتی بیان شده است. ظاهراً اولین بار میان تخطی و تخلف انتخاباتی در قانون ۱۳۹۲ تمایز داده شده است و در بند ۱ ماده ۶۷ این قانون آمده است: «تخطی شامل اعمالی می گردد که غیر قصدی و سهواً از طرف رأی دهنده، کاندید و... واقع می گردد» اما در مورد مصادیق تخطی و چگونگی رسیدگی به آن، در بند ۴ ماده یاد شده چنین مقرر شده است: «نوعیت تخطی و چگونگی رسیدگی به آن توسط طرز العمل جداگانه تنظیم می گردد». اما تخلف انتخاباتی در ماده ۶۸ همین قانون به رفتارها و عمل های خلاف قانون و عمدی اطلاق شده است. تفاوت یاد شده میان تخلف و تخطی در قانون جدید انتخابات (م ۱۳۹۵) نیز حفظ شده است و محتوای ماده ۶۷ قانون قبلی در ماده ۹۶ این قانون بدون تغییر بیان شده است. بنابراین باتوجه به تعریف دو اصطلاح تخطی و جرم انتخاباتی معنای تخلفات انتخاباتی روشن می گردد و هر فعل یا ترک فعلی که از مصادیق تخطی و جرم انتخاباتی نباشد تخلف شمرده می شود و ضمانت اجرای پیش بینی شده در قانون انتخابات برای مرتکب آن اعمال می گردد.

۲-۱. تفاوت تخلفات، جرایم و تخطی های انتخاباتی

در مقام تفاوت تخلفات اعم از اداری، انضباطی و انتظامی، با جرایم جنایی، نویسندگان به طور کلی موارد زیادی را به عنوان وجوه افتراق آندو بیان کرده اند از جمله از نظر ماهیت، ارکان، ضمانت اجرا و اهداف میان دو مفهوم یاد شده تفاوت قائل شده اند. (کرد نایب، ۱۳۸۴: ۴۵ تا ۴۷؛ دانش، ۱۳۹۲: ۳۱۲ تا ۳۱۴). اما به طور خاص میان سه مفهوم مورد بحث (جرایم، تخلفات و تخطی)، در قانون انتخابات و کد جزای افغانستان بر اساس معیارهای مختلف زیر تمایز داده شده است:

۱-۲-۱. به لحاظ قانون حاکم

در مورد تعیین مصادیق و ضمانت اجرای تخطی‌های انتخاباتی، در بند ۴ ماده ۶۷ قانون انتخابات قبلی (م ۱۳۹۲) چنین آمده است: «نوعیت تخطی و چگونگی رسیدگی به آن توسط طرزالعمل جداگانه تنظیم می‌گردد». در قانون انتخابات جدید (م ۱۳۹۵) نیز قانون‌گذار محتوای بند ۱ (مفهوم تخطی انتخاباتی) و بند ۲ و ۳ (مرجع رسیدگی) و ماده ۶۷ قانون قبلی را در مورد تخطی عینا در ماده ۹۶ این قانون آورده است اما از بند ۴ ماده مذکور غفلت کرده است و البته یقینا محتوای هر چهار بند ماده ۶۷ یاد شده در قانون جدید نیز مورد تصدیق قانون‌گذار است. بنابراین، طبق بند ۴ ماده ۶۷ قانون قبلی و بند ۲ ماده ۱۹ قانون انتخابات ۱۳۹۵ که هر نوع تصویب طرزالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرای را به منظور تطبیق قانون انتخابات، از وظایف کمیسیون مرکزی انتخابات می‌داند، می‌توان گفت: قانون حاکم بر تخطی‌ها طرزالعمل کمیسیون می‌باشد. اما قانون حاکم بر تخلف انتخاباتی قانون انتخابات می‌باشد ولی در مورد جرایم، بعد از تصویب کد جزا و لغو بخش مربوط به جرایم انتخاباتی از قانون انتخابات، کد جزا، قانون حاکم به شمار می‌آید.

۱-۲-۲. به لحاظ مرجع رسیدگی

در قانون انتخابات ۱۳۸۴، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون «شکایات انتخاباتی» به‌عنوان مرجع صالح رسیدگی به تخطی و تخلفات انتخاباتی (جز تخلفات رسانه‌ها) پیش‌بینی شده بود و رسیدگی به تخطی و تخلفات رسانه‌ای به کمیسیون دیگری بنام «کمیسیون رسانه‌ها» سپرده شده بود. در این قانون هر چند جرایم خاصی تحت عنوان جرایم انتخاباتی پیش‌بینی نشده بود اما رسیدگی به موارد جرمی به‌عنوان جرایم عمومی جزو صلاحیت‌های دادگاه‌های عمومی شمرده شده بود و قانون حاکم نیز قانون جزا بود. در قانون انتخابات ۱۳۹۲ هر چند میان تخطی و تخلف انتخاباتی از نظر مفهومی و مصادیق تمایز داده شد اما از نظر مرجع رسیدگی، روش قانون قبلی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت، به این معنی که در این قانون نیز همچنان کمیسیون شکایات به مرجع اصلی رسیدگی به تخطی و تخلف انتخاباتی قلمداد شد و در موارد جرمی نیز مانند قانون قبلی به صلاحیت دادگاه‌های عمومی تأکید گردید.

در قانون انتخابات ۱۳۹۵ نیز تمایز میان تخطی و تخلف انتخاباتی حفظ گردید و بر مرجع تعدد رسیدگی به تخلفات انتخاباتی تأکید شد. البته با این تفاوت که در این قانون به دلیل اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه تری از سوی قانون‌گذار، برخی از تخلفات انتخاباتی به عنوان جرایم خاص انتخاباتی مورد جرم‌انگاری قرار گرفت. از این‌رو، در بند ۱ مواد ۲۸ و ۳۱ و بند ۲ ماده ۳۰ و مواد ۹۶ و ۹۷ همین قانون، کمیسیون شکایات انتخاباتی، مرجع اصلی رسیدگی به تخطی و تخلف انتخاباتی تعیین گردیده و رسیدگی به جرایم انتخاباتی به قوه قضاییه و دادگاه‌های عمومی به عنوان نهاد صالح شمرده شده است.

یکی دیگر از موارد تفاوت میان تخطی، تخلف و جرایم انتخاباتی، ضمانت اجرای است که در قانون انتخابات برای هریک پیش‌بینی شده است. در کد جزا برای مرتکبین جرایم انتخاباتی مجازات حبس پیش شده است. اما برای مرتکبین تخلف انتخاباتی، در قانون انتخابات تدابیر تأدیبی مانند توصیه و اخطار و در نهایت جریمه مالی در نظر گرفته است (قانون انتخابات، بند ۵ ماده ۲۷ و جزء ۳ و ۴ بند ۱ ماده ۳۰ و بند ۲ ماده ۹۸ و ۹۹) و بدین ترتیب برای تخطی‌های انتخاباتی نیز به دلیل ماهیت و وصف غیر عمدی بودن آن‌ها، یقیناً ضمانت اجرای بسیار سبک تری نسبت به دو مورد قبلی قابل تطبیق است. بنابراین قانون‌گذار در قانون انتخابات و کد جزا میان سه مفهوم مورد بحث به لحاظ ضمانت اجرا نیز تفاوت گذاشته و برای جرایم انتخاباتی ضمانت اجرای بسیار سنگین‌تر و سرکوبنده تری نسبت به ضمانت اجرای تخلف و تخطی انتخاباتی، پیش‌بینی کرده است. همچنین ضمانت اجراهای که برای تخلف انتخاباتی در نظر گرفته است نسبت به ضمانت اجرای تخطی انتخاباتی سنگین‌تر می‌باشد.

۳) مفهوم و شرایط رأی دهندگان

از نظر قانون انتخابات، رأی اراده شخص محسوب می‌شود که به منظور گزینش کاندیدای مورد نظر وی، استعمال می‌گردد (قانون انتخابات، ۱۳۹۵: بند ۴ ماده ۴). در تعریف رأی گفته شده است که: «رأی (یک) عملی تشریفاتی و حقوقی است که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان می‌پردازند» (قاضی، ۱۳۸۷: ۲۹۵). بنابراین، رأی دهندگان در استعمال رأی آزاد نمی‌باشند و بر اساس یکسری شرایط و محدودیت‌های می‌توانند از این حق استفاده نمایند و علاوه بر آن همه شهروندان حق رأی ندارند و کسانی به‌عنوان رأی دهنده محسوب می‌شوند که شرایط مذکور در قانون انتخابات را دارا باشند. در مورد شرایط رأی دهندگان در ماده ۳۷ قانون انتخابات چنین آمده است: «شخصی به حیث رأی دهنده ثبت نام می‌گردد که واجد شرایط ذیل باشد:

۱- تابعیت افغانستان را داشته باشد.

۲- سن هجده سالگی را در روز انتخابات تکمیل نموده باشد.

۳- به حکم قانون یا محکمه از حقوق مدنی محروم نگردیده باشد.

۴- اسم وی در فهرست رأی دهندگان ثبت شده باشد.»

در ماده ۸ همین قانون آمده است: «کمیسیون مکلف است، فهرست رأی دهندگان را به تفکیک مراکز رأی دهی ترتیب و به مرکز ملی معلومات (دیتابیس) کمیسیون وصل نماید» و هم‌چنین در ماده ۷۲ این قانون نیز بر ثبت فهرست رأی دهندگان تأکید شده است. هم‌چنین در ماده ۱ لایحه کمیسیون انتخابات در مورد رأی دهی

چنین آمده است: «هرتبعه کشور که سن ۱۸ سالگی را در روز انتخابات تکمیل نموده باشد، به حکم قانون یا محکمه از حقوق مدنی محروم نگردیده باشد، من حیث رأی دهنده ثبت نام نموده و اسم وی شامل فهرست رأی دهندگان باشد، می تواند در روز رأی دهی در حوزه انتخاباتی مربوطه، در مراکزی رأی دهی که قبلاً ثبت نام نموده است و در محل از قبل تعیین شده حضور یافته و به رویت تذکره تابعیت دارای تصدیق ثبت نام، در مطابقت با طرز العمل های مربوطه رأی بدهد».

بنابراین، باتوجه به مفهوم رأی و شرایط رأی دهندگان در قانون انتخابات، رأی دهندگان در فرایند انتخابات به افرادی اطلاق می شود که تبعه افغانستان باشند و سن هیجده سالگی را در روز انتخابات تکمیل نمایند و توسط محکمه باصلاحیت از حق رأی محروم نشده باشند و علاوه بر شرایط یاد شده اسم شان در فهرست نهایی رأی دهندگان نیز ثبت شده باشند. طبق این تعریف؛ شخصی که هر چند شرط تابعیت و شرط سنی را دارا باشد و محکومیت کیفری نیز نداشته باشد ولی اگر اسمش در فهرست رأی دهندگان ثبت نشده باشد حق رأی ندارد و جزو رأی دهندگان به شمار نمی آید.

ب: تحولات قانونی در زمینه جرایم انتخاباتی رأی دهندگان

مطالعه قوانین مربوط به انتخابات نشان می دهد که قانون گذار افغانستان، در دوره جدید حیات سیاسی این کشور، رویکردهای متفاوتی را در قبال رفتارهای محل نظم و جریان انتخابات اتخاذ کرده است. در قانون انتخابات سال ۱۳۸۴ رفتارها و عمل های محل فرایند انتخابات را به طور کلی و از جمله در مورد رأی دهندگان به عنوان تخلف انتخاباتی ممنوع ساخته است و در این زمینه صرفاً به ضمانت اجراهای اداری و جریمه مالی تأکید شده است. پس از آن نیز قانون گذار افغانستان، در قانون انتخابات ۱۳۹۲، انتخابات را به عنوان یک روند اداری مد نظر گرفته و رویکرد اداری به پروسه انتخابات داشته است. از این رو، رفتارهای محل سلامت انتخابات و خلاف قانون را از سوی همه تابعان و بازیگران انتخابات، تحت عنوان تخطی و تخلف و تقلب در انتخابات ممنوع نموده و به عنوان جرایم انتخاباتی جرم انگاری نکرده است. به همین دلیل در این قانون نیز مانند قانون انتخابات ۱۳۸۴ بر ضمانت اجراهای اداری و جریمه های مالی بیشتر تأکید شده و از ضمانت اجراهای کیفری مانند حبس چیزی دیده نمی شود.

اما در قانون جدید انتخابات (م ۱۳۹۵) و قانون جزای جدید افغانستان (کد جزا) با توجه به وقوع تخلفات بسیار گسترده انتخاباتی در انتخابات پارلمان و به خصوص انتخابات ریاست جمهوری گذشته، قانون گذار رویکردی سخت گیرانه تری را اتخاذ کرده است و علاوه بر حفظ عنوان تخطی و تخلف انتخاباتی برخی تخلفات مهم و تأثیر گذار را از سوی همه بازیگران انتخابات و از جمله رأی دهندگان به عنوان جرایم خاص انتخاباتی مورد جرم انگاری قرار داده است و برای آن ضمانت اجراهای کیفری مانند مجازات حبس پیش بینی

کرده است. بررسی همه موارد تخلفات و رفتارهای خلاف قانون و مخل فرایند انتخابات در این تحقیق امکان پذیر نیست از این رو، باتوجه به موضوع مقاله حاضر، تنها مهمترین رفتارهای ضدسلامت انتخابات از سوی رأی دهندگان، تحت دو عنوان تخلف انتخاباتی و جرایم انتخاباتی مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد.

ج: تخلفات انتخاباتی رأی دهندگان و مصادیق آن

رأی دهندگان به عنوان عامل تعیین کننده و رکن اساسی یک انتخابات، نقش بسزایی در سلامت و برگزاری موفق انتخابات دارند. ارتکاب رفتارهای اخلاف آمیز به روند اجرای صحیح آن، نیز به همان اندازه سلامت انتخابات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، تخلفات رأی دهندگان در جریان انتخابات در همه کشورها و از جمله افغانستان با واکنش نظام کیفری روبرو گردیده است. در قانون انتخابات و کد جزای افغانستان ارتکاب رفتارهای مختلف رأی دهندگان به عنوان تهدید علیه سلامت نظام انتخابات ممنوع شده است و برای آنها ضمانت اجرای، توصیه، اخطار، جریمه مالی پیش بینی شده است. تخلفات رأی دهندگان را باتوجه به فرایند انتخابات به صورت ذیل می‌توان دسته بندی و بیان نمود.

۱) تخلفات رأی دهندگان در زمان ثبت نام

در افغانستان به دلیل انجام نشدن یک سرشماری دقیق نفوس این کشور و عدم کارت‌های هویتی و تذکره دارای بارکدهای مخصوص که بتوان بر اساس آنها هویت دقیق افراد را شناسایی و از انجام تخلفات رأی دهی مجدد و متقلبانه پیشگیری نماید، لذا بر اساس قانون انتخابات این کشور، افراد علاوه بر دارا بودن شرایط رأی دهی باید مشخصات خود را در لیست رأی دهندگان نیز ثبت نماید و در غیر آن حق رأی دادن ندارد (قانون انتخابات، ۱۳۹۵؛ بند ۱ ماده ۶). و طبق همین قانون کسی حق ندارد بیش از یک بار اسم خود را در فهرست رأی دهندگان ثبت نماید. بنابراین اگر کسی بیش از یک بار اسم خود را در فهرست رأی دهندگان ثبت نماید، به عنوان مرتکب رفتار متخلفانه انتخاباتی مورد پیگرد قرار می‌گیرد (همان؛ بند ۲ ماده ۶ و بند ۱ ماده ۹۶). و بر اساس جزء ۱ بند ۲ ماده ۹۸ همین قانون، مرتکب تخلف یاد شده حسب احوال به جریمه مالی ۱۲۰۰۰ هزار تا ۵۰۰۰۰ هزار افغانی محکوم می‌شود.

۲) تخلفات رأی دهندگان در هنگام تبلیغات انتخاباتی

مرحله تبلیغات انتخابات یکی از مراحل بسیار مهم در فرایند انتخابات است، در این مرحله کاندیداها با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مجاز به تبلیغ اهداف و برنامه‌های خود برای جلب آرای مردم و رأی دهندگان در یک فضای رقابتی سالم و قانونی می‌پردازند، قانون‌گذار افغانستان نیز از سلامت این مرحله حساس انتخابات حمایت قانونی کرده است و رفتارهای مخل روند تبلیغات را در قالب تخلف ممنوع ساخته است. از جمله از

بین بردن مواد تبلیغاتی کاندیدا توسط افراد را نیز به عنوان جرم ممنوع ساخته است. که ممکن است این تخلف توسط یک فرد عادی و رأی دهنده انجام شود.

معمولا قانون‌گذاران، برای حمایت از فضای رقابتی سالم و جلوگیری از روش‌های نابرابر و غیر رقابتی در انتخابات، محدودیت‌های زمانی، مکانی و محدودیت‌های از نظر شیوه تبلیغات در قوانین انتخابات و یا دستورالعمل‌های خاص پیش‌بینی می‌کند، همچنین برای افراد متخلف و کسانی که اقدام به پاره کردن و از بین بردن آگهی‌ها و بنرهای تبلیغاتی کاندیداها نماید، ضمانت اجراهای مالی و مجازات حبس در نظر می‌گیرد. قانونگذار افغانستان نیز در این زمینه تدابیر و محدودیت‌های مختلفی را در قانون انتخابات این کشور پیش‌بینی کرده است و از جمله از بین بردن مواد تبلیغاتی کاندیداها را به عنوان تخلف انتخاباتی ممنوع نموده و برای مرتکب آن به جریمه مالی ده تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد (فقره ۶ بند ۱ و فقره ۴ بند ۲ ماده ۹۸). بر اساس قانون انتخابات چند نکته زیر قابل یادآوری است:

۱- در فقره ۶ بند ۱ ماده ۹۸ قانون انتخابات به طور مطلق «از بین بردن مواد تبلیغاتی کاندیدان دیگر» از مصادیق تخلف انتخاباتی شمرده شده است. برای تفسیر آن در اینجا چند پرسش قابل طرح است، ۱. منظور از مواد تبلیغاتی چیست؟ و آیا شامل همه انواع وسیله تبلیغاتی اعم از بنر، اطلاعیه و بلندگوها و ... می‌شود؟ ۲. آیا از بین بردن مواد تبلیغاتی صرفا در زمان و مکان مجاز و قانونی تبلیغاتی تخلف شمرده می‌شود؟

۲- به نظر می‌رسد منظور از «مواد تبلیغاتی» در اینجا اطلاق دارد و شامل تمام وسایل و ابزارهای می‌شود که کاندیداها از طریق آن به صورت قانونی برای بیان اهداف و برنامه‌های خود استفاده می‌کند اعم از بنر، پلاکارت و هر نوع آگهی که قابل نصب در مکان مشخص باشد و یا ابزارهای مانند cd و مانند آن باشد. و نیز عبارت: «از بین بردن..» در ماده یاد شده نیز اطلاق دارد و شامل هر گونه رفتاری از قبیل پاره کردن، مخدوش کردن و رنگ پاشیدن بر روی آگهی‌ها و سوزاندن مواد تبلیغاتی می‌شود.

۳- باتوجه به اهداف قانون انتخابات و اینکه تخلفات انتخاباتی ماهیت استثنایی دارد و جزو تخلفات خاص محسوب می‌شود لذا می‌توان گفت که از بین بردن مواد و آگهی‌های تبلیغاتی کاندیداها با دو شرط زیر به عنوان تخلف انتخاباتی قابل پیگیری می‌باشد:

الف- عمل از بین بردن مواد انتخاباتی در زمان قانونی مبارزات انتخاباتی صورت گیرد.

ب- باید آگهی‌ها و مواد تبلیغاتی در مکان‌های مجاز و قانونی نصب و یا توزیع شده باشد، بنابراین صرفا پاره کردن آگهی‌های تبلیغاتی قبل یا بعد از زمان قانونی انتخابات به عنوان یک تخلف انتخاباتی قابل پیگیری نمی‌باشد.

۳) تخلفات رأی دهندگان در زمان رأی دهی

تخلفات رأی دهندگان در این زمان می‌تواند به صورت‌های مختلف از جمله موارد ذیل ارتکاب یابد.

۳-۱. استفاده از علایم مربوط به کاندیدان در مراکز رأی دهی

بر اساس قانون انتخابات هر نوع تبلیغ از ۴۸ ساعت قبل از زمان رأی گیری تا پایان آن ممنوع می‌باشد و این مدت به عنوان زمان سکوت کاندیداها و زمان تأمل و تفکر رأی دهندگان برای تجزیه و تحلیل برنامه‌های کاندیدان برای انتخاب آزاد و خرد مندانه در نظر گرفته شده است. این امر در روز رأی گیری و روز انتخاب رأی دهندگان اهمیت بیش‌تر دارد به همین دلیل کمیسیون انتخابات نیز موظف است که از ۴۸ ساعت قبل از آغاز رأی دهی، تمام مواد تبلیغاتی کاندیداها تا فاصله ۱۰۰ متری مرکزهای رأی دهی را از بین ببرد و جمع‌آوری نماید (قانون انتخابات، ماده ۷۶ و ۷۹). هم‌چنین قانون‌گذار به جهت حمایت از فضای رقابتی سالم و عدالت و آزادی در روز انتخابات، در مرکز رأی دهی نیز هرگونه استفاده از نشانه‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی کاندیداها را به‌عنوان یک تخلف انتخاباتی ممنوع ساخته است و برای آن جریمه مالی پنج تا پنجاه هزار افغانی پیش‌بینی کرده است (همان، جزء ۳ بند ۱ و جزء ۲ بند ۲ ماده ۹۸).

۳-۲. رأی دادن بیش از یک‌بار

در قانون انتخابات ۸۴ در بند ۴ تقلب در انتخابات را ممنون ساخته است و در جزء ۱۱ بند ۳ ماده ۵۳ به عنوان تخطی و تخلف انتخاباتی ممنوع کرده است. در جزء ۸ بند ۳ قانون انتخابات ۹۲ رأی دادن و نیز تلاش برای رأی دادن بیش از یک بار را تحت عنوان تقلب انتخاباتی جرم انگاری کرده بود در جزء ۱۲ ماده ۶۹ همین قانون مجازات مالی ۵۰ تا ۱۰۰ هزار افغانی را برای آن پیش‌بینی کرده است. و هم‌چنین در جزء ۲۳ بند ۱ ماده ۹۸ و نیز در بند ۲ همین ماده همان جریمه مالی ۵۰ تا ۱۰۰ هزار بیان شده است.

رأی دادن بیش از یک‌بار یکی دیگر از تخلفات انتخاباتی رأی دهندگان می‌باشد که در قانون انتخابات ممنوعه شده است. در قانون قبلی انتخابات آمده است: «هر رأی دهنده در انتخابات دارای حق یک رأی بوده که می‌تواند آنرا بلاواسطه برای کاندید مورد نظر استعمال نماید» (قانون انتخابات، بند ۳ ماده ۶). در قانون جدید نیز همین مفهوم تکرار شده است و در بند ۵ ماده ۶ همین قانون چنین آمده است: «هر رأی دهنده، دارای حق یک رأی بوده و می‌تواند آن را بلاواسطه برای کاندید مورد نظر خود استعمال نماید». هم‌چنین طبق بند ۳ ماده یاد شده؛ رأی دهنده مکلف است، در مرکز رأی دهی که قبلاً نام او در فهرست رأی دهندگان آن مرکز درج گردیده است، رأی بدهد.

برای تحقق عملی این نوع تخلف انتخاباتی لازم است که مرتکب یکبار به صورت قانونی رأی خود را در صندوق بیندازد و برای بار دوم یا دفعات بعدی اقدام به رأی دادن نماید عملی تخلف رأی دادن بیش از یک بار تحقق می‌یابد. از این‌رو، به نظر برخی نویسندگان؛ «در صورتی که در بار اول رأی دادن مرتکب به صورت غیر

قانونی مثل استفاده از شناسنامه دیگری و یا با استفاده از شناسنامه جعلی صورت گیرد و بار دوم رأی دادن به صورت قانونی انجام شود جرم رأی دادن بیش از یکبار تحقق نمی یابد و فقط اعمال مجرمانه قبلی قابل تعقیب است؛ هم‌چنان‌که اگر در بار اول مرتکب رأی قانونی در صندوق بریزد و در بار دوم به شکل غیر قانونی اقدام کند که این هم شامل این جرم نمی شود و عناوین خاص خود را دارد» (شاهین‌پور، ۱۳۹۴: ۸۲). و ممکن است به عنوان مرتکب رأی دادن با شناسنامه جعلی و مانند آن مورد پیگرد قرار گیرد.

۳-۳. رنگ نکردن انگشت حین رأی دهی

براساس بند ۴ ماده ۱۲ آیین نامه رأی دهی کمیسیون مستقل انتخابات (مصوب ۱۳۹۷)، انگشت هر رأی دهنده باید قبل از دریافت ورق رأی دهی توسط رنگ مخصوص نشانی گردد. به آن‌عه از افرادی که انگشت دست شان به رنگ مخصوص نشانی نشده باشد، اجازه ورود به محل رأی دهی داده نمی شود و طبق قانون انتخابات، رنگ نکردن انگشت حین رأی دهی از طرف رأی دهنده به عنوان یک تخلف انتخاباتی شمرده شده است و مرتکب آن حسب احوال به پرداخت پنجاه تا صد هزار افغانی محکوم می‌گردد. (قانون انتخابات، ۱۳۹۴: جز ۲۰ بند ۱ و جزء ۱۱ بند ۲ ماده ۹۸). بنابراین، رنگ نکردن انگشت توسط رأی دهنده اگر غیری عمدی باشد، به عنوان تخطی انتخاباتی شمرده می‌شود و اگر عمدا صورت گرفته باشد تخلف انتخاباتی، محسوب می‌گردد.

د: جرایم انتخاباتی رأی دهندگان و مصادیق آن

چنان‌که ذکر شد، در قانون انتخابات ۱۳۹۵ و کدجزا برخی رفتارهای پر خطر رأی دهندگان برای سلامت انتخابات، به عنوان جرم انتخاباتی، جرم انگاری شده است و برای آنها ضمانت اجرای حبس پیش بینی گردیده است. مهم‌ترین مصادیق جرایم یاد شده را می‌توان به صورت زیر دسته بندی و بیان نمود.

۱) جرایم رأی دهندگان علیه اسناد و مواد انتخاباتی

مهمترین مصادیق این نوع جرم یکی سرقت اسناد، اوراق و مواد انتخاباتی است و دیگری تلف آنها، در ادامه به صورت جداگانه مورد قرار می‌گیرد.

۱-۱. سرقت اسناد، اوراق رأی دهی و مواد حساس انتخاباتی

در قوانین انتخاباتی تعریفی از جرم سرقت اوراق و اسناد انتخاباتی ارائه نشده است. اما سرقت در مفهوم عام آن، در قوانین جزا تعریف شده است؛ از جمله در بند ۱ ماده ۶۹۹ قانون جزای جدید افغانستان (کدجزا) از سرقت چنین تعریف شده است: «سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت به مقصد تملک». این تعریف، با تعریف سرقت در قانون جزای قبلی^۲ از چند جهت تفاوت دارد، اولاً قید به «طور خفیه»

^۲. در بند ۲ ماده ۴۵۴ قانون جزای قبلی (م ۱۳۵۵) سرقت چنین تعریف شده است: «...شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد

سارق شمرده می‌شود».

و «مقوم ملکیت» که در قانون سابق آمده بود در این تعریف حذف شده است و ثانیا قید «بدون رضایت» و «به مقصد تملک» اضافه شده است. در ارزیابی می‌توان گفت که قید به «طور خفیه» یکی از ارکان سرقت حدی در فقه اسلامی می‌باشد اما در سرقت‌های تعزیری شرط نمی‌باشد (عوده، ۲۰۰۹: ج ۲، ۴۲۳؛ جزیری، ۱۴۱۹هـ = ۱۹۹۸: ۲۲۶-۲۳۰). بنابراین، قید ربودن مخفیانه مختص سرقت‌های حدی می‌باشد و سرقت‌ها که ربودن مال دیگری به‌طور علنی و یا توأم با آزار و قهر و غلبه صورت می‌گیرد به عنوان سرقت‌های تعزیری مطرح می‌باشد (ولیدی، ۱۳۸۴: ۱، ۳۰۸). و قید «مقوم ملکیت» مبتنی بر فقه حنفی است ولی از نظر سایر دانشمندان اسلامی صرفا چیزی که دارای ارزش مالی باشد می‌تواند موضوع سرقت قرار گیرد. بنابراین، از آنجا که در کد جزا سرقت‌های تعزیری بیان شده است لذا وجود قید به‌طور پنهانی (خفیه) و قید مقوم ملکیت در تعریف لازم نیست. نکته دیگر اینکه قید «بدون رضایت» در تعریف سرقت اضافی است و نیازی به ذکر آن نیست و همچنین قید «به قصد تملک» که در تعریف ذکر شده قید احترازی است. از این‌رو، اگر شخصی اموال و اشیای دیگری را به قصد تخریب برباید به نظر می‌رسد که جرم سرقت به او منتسب نخواهد بود بلکه به عنوان مرتکب اتلاف و تخریب مال غیر می‌تواند مورد تعقیب قرار گیرد. به همین جهت بهتر است سرقت چنین تعریف شود: «سرقت عبارت است از ربودن متقلبانه مال و اشیای منقول متعلق غیر». پس از بررسی تعاریف مربوط به سرقت اکنون به بررسی عناصر سه گانه جرم سرقت اوراق و اسناد انتخاباتی پرداخته می‌شود.

الف- عنصر قانونی: عمل ربودن اسناد و مواد انتخاباتی در جزء ۱۱ بند ۱ ماده ۹۹ قانون انتخابات مورد جرم انگاری قرار گرفته و در جزء ۷ بند ۲ همین قانون مجازات حد اکثر حبس متوسط برای مرتکب آن، پیش بینی شده بود. اما پس از تصویب کد جزا ماده مذکور لغو و محتوای آن در ماده ۴۲۸ این قانون پیش بینی شده است، از این‌رو، اکنون ماده ۴۲۸ کد جزا به عنوان عنصر قانونی جرم مورد بحث محسوب می‌شود.

ب- عنصر مادی: در این زمینه در ماده ۴۲۸ کد جزا چنین آمده است: «شخصی که اسناد و اوراق رأی دهی و یا مواد حساس انتخاباتی را سرقت سازد به حد اکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد». در تعریف سرقت بیان شد که سرقت عبارت است از ربودن متقلبانه مال و اشیای متعلق به غیر. بنابراین در این بخش موارد زیر قابل بررسی است:

گرفتن و ربودن: عمل ربودن از عناصر کلیدی در جرم سرقت است. البته در قانون کلمه «گرفتن» آمده است که ترجمه کلمه «اخذ» در زبان عربی است، اما باید توجه نمود که در جرم سرقت منظور از «اخذ» گرفتن ساده نیست بلکه به معنای اثبات ید کردن بر مال دیگری بدون اجازه و رضایت صاحب آن یا به تصرف در آوردن و خارج کردن آن مال از محلی به محلی دیگر است که از آن به «ربودن» تعبیر شده است (ولیدی، پیشین: ۳۱۰) بدون تحقق عمل ربایش سرقت تحقق نمی‌یابد. و لازمه ربایش نیز نقل مکان دادن مال از محلی به محلی دیگر

است. بنابراین در مورد جرم مورد بحث، ربودن اوراق و اسناد و مواد انتخاباتی زمانی سرقت محسوب می‌شود که مرتکب آنها را از محل ثبت نام یا رأی دهی خارج نماید.

ارزش اقتصادی موضوع جرم: موضوع جرم سرقت طبق بند ۱ ماده ۶۹۹ کد جزا باید مال باشد و مال نیز یعنی چیزی که دارای ارزش عرفی باشد و در قبال آن عوض پرداخت شود (الزحیلی، ۱۴۱۸=۱۹۹۷: ۴، ۲۸۷۷). بنابراین، در جرم مورد بحث اوراق، اسناد و مواد انتخاباتی که مورد سرقت قرار می‌گیرد باید دارای ارزش و اعتبار قانونی باشد، لذا اگر اوراق و اسناد انتخاباتی فاقد ارزش قانونی باشد جرم سرقت محقق نمی‌شود و مرتکب آن، قابل پیگرد نمی‌باشد.

ملک غیر بودن: براساس این قید، تنها در مورد اوراق، اسناد و مواد انتخاباتی جرم سرقت صدق می‌کند که ملک دولت و یا ملک سایر رأی دهندگان باشد، بنابراین در مورد اینکه اگر شخصی ورق رأی خود را از محل شعبه اخذ رأی برباید مورد پیگرد قرار می‌گیرد یا خیر؟ برخی گفته است که هرچند استفاده از ورق رأی دهی به رأی دهنده داده شده است، اما از آنجا که اصولاً اسناد انتخاباتی جزو متعلقات دولت و حکومت است لذا در صورت اخیر نیز می‌توان جرم یاد شده به مرتکب منتسب گردد (شاهین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

ج- عنصر معنوی: سرقت از جرایم عمدی است لذا قصد و سوء نیت مرتکب از عناصر اساسی این جرم محسوب می‌شود و منظور از سوء نیت در اینجا این است که سارق با علم و اطلاع مال متعلق به دیگری را برخلاف میل و رضایت مالک آن برباید. (ولیدی، پیشین: ۳۲۰). اما با توجه به قید «به قصد تملک» در تعریف سرقت در کدجزا، باید گفت که سرقت در صورت تحقق پیدا می‌کند که سارق مال مسروقه را به منظور تملک و تصرف برباید، بنابراین در جرم مورد بحث شخص که اسناد و مواد انتخاباتی را سرقت می‌کند باید علاوه بر علم و اطلاع از این عمل قصد تملک آن را نیز داشته باشد. لذا اگر کسی که برخی اسناد و مواد انتخاباتی را به قصد اخلال امر رأی گیری و یا انگیزه دیگر در همان روز رأی گیری از دسترس خارج کند و بعد دوباره آنها را برگرداند، به عنوان سارق شناخته نمی‌شود. ولی به نظر می‌رسد چنین اشخاصی نیز قابلیت پیگیری دارد و قید یاد شده در قانون اضافی می‌باشد.

۲-۱. تلف اسناد، اوراق رأی دهی و مواد حساس انتخاباتی

تلف در لغت به معنای زیان، خسارت، آسیب و صدمه می‌باشد و اتلاف به معنای تباه کردن، ضایع کردن، از بین بردن و فرسودن است (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۲). اما در اصطلاح اتلاف در حقوق مدنی منشأ ضمان است (چه تلف به صورت عمدی باشد و چه غیر عمدی) و عبارت است از ناقص کردن یا از بین بردن مال متعلق به دیگری (ولیدی، پیشین: ۴۳۹). اما اتلاف در حقوق جزا به معنای تجاوز مادی به مال غیر است به صورت تخریب یا حریق یا تباه کردن. یکی از تفاوت‌های مهم در کاربرد اتلاف در موارد یاد شده این است که؛ در

اتلاف جزائی مال غیر (منقول یا غیر منقول، مال دولتی یا خصوصی) عمد و قصد نتیجه مجرمانه شرط است اما در اتلاف مدنی نه عمد شرط است و نه قصد فعل (جعفری لنگرودی، پیشین: ۱، ۱۰۰). بنابراین، هر چند اتلاف اسناد و اوراق رأی دهی در قانون انتخابات و کدجزا تعریف نشده است اما با توجه به اینکه در قوانین یاد شده از مصادیق جرایم انتخاباتی ذکر شده است لذا جزء اتلاف جزائی محسوب می‌شود و می‌توان چنین تعریف کرد: «اتلاف در اینجا عبارت است از سوزاندن یا از بین بردن آگاهانه کلی یا جزئی اسناد، اوراق و مواد انتخاباتی به هر طریق ممکن.» در ادامه ارکان این جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- عنصر قانونی: از بین بردن و تلف نمودن اوراق و اسناد و مواد انتخاباتی به طور خاص در جزء ۱۱ بند ۱ ماده ۹۹ قانون انتخابات ۱۳۹۵ جرم انگاری شده است و در جزء ۷ بند ۲ همین قانون مجازات حد اکثر حبس متوسط برای مرتکب آن، پیش بینی شده است. اما پس از تصویب کدجزا ماده مذکور لغو و محتوای آن در ماده ۴۲۸ این قانون بدین صورت آمده است: «شخصی اسناد و اوراق رأی دهی و یا مواد حساس انتخاباتی را تلف سازد به حد اکثر حبس متوسط، محکوم می‌گردد» بنابراین در حال حاضر همین ماده به عنوان عنصر قانونی جرم تلف اسناد و اوراق رأی و مواد حساس انتخاباتی محسوب می‌شود.

ب- عنصر مادی: اتلاف در اینجا شامل معدوم نمودن اوراق و اسناد و مواد انتخاباتی، از قبیل ورق رأی دهی، صورت جلسات و شکستن ظرفهای رنگ مخصوص نشان انگشت رأی دهندگان و شکستن قفل و از بین بردن مهر و لاک صندوقهای رأی و موارد مانند آن بدون مجوز قانونی می‌شود. بنابراین اگر رأی دهنده بدون مجوز قانونی هریک از اعمال یادشده را انجام دهد، این جرم به او منتسب می‌گردد و مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

ج- عنصر معنوی: اتلاف اسناد و مواد انتخاباتی مانند سرقت یک جرم عمدی و از جرایم مقید است، از این رو، مرتکب آن باید قصد انجام عمل و قصد نتیجه را داشته باشد، منظور از قصد نتیجه در اینجا عبارت است از تخریب و از بین بردن اسناد و اشیاء انتخاباتی به قصد تأثیر در سلامت انتخابات است. بنابراین عمل آگاهانه رأی دهنده و خواست نتیجه توسط وی عنصر معنوی این جرم را تشکیل می‌دهد.

۲) تقلب در فرایند رأی دهی

تقلب در انتخابات، در قوانین مربوط تعریف نشده است و یک عنوان کلی است که دارای مصادیق متعددی می‌باشد که قانون‌گذاران با توجه به سیاست جنایی اتخاذی در این زمینه دست به جرم انگاری اعمالی به عنوان تقلب در انتخابات می‌زند. تقلب انتخاباتی یعنی نقض سلامت فرایند انتخابات و دست بردن و تخریب نتایج آن به گونه‌ای که باعث برگزیدن فرد یا روش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با نظر مردم گردد به نفع سیلقه ای خاص (شاهین پور، پیشین: ۸۰). تقلب در انتخابات هم در فرایند رأی دهی توسط رأی دهندگان مانند رأی دادن با

سند جعلی و هم در فرایند رأی گیری هم چون تنظیم نادرست و متقلبانه صورت جلسات شمارش و نتایج آرای صندوق‌ها از سوی کارمندان کمیسیون، قابل تصور است. در ادامه مصادیق جرایم مربوط به تقلب رأی دهندگان در مرحله رأی دادن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. استعمال رأی با سند جعلی و تزویر شده

سند جعلی طبق بند ۱ ماده ۴۳۶ کد جزا عبارت است از ساختن نوشته، سند، ساختن مهر، امضا، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم خور ساختن، الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کاربرد مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب. بنابراین رأی دادن با کارت رأی دهی مخدوش، به نحو موارد یاد شده به عنوان جرم استعمال رأی با سند جعلی محسوب می‌شود و مرتکب آن مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرد. برای شناسایی بهتر این جرم ارکان آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- عنصر قانونی: رأی دادن با سند جعلی در قانون قبلی در جزء ۵ بند ۳ ماده ۶۸ (م ۱۳۹۲) و به طور خاص در ماده ۴۲۹ کد جزا جرم انگاری شده است، طبق این ماده اگر کسی با سند جعلی رأی دهد، این عمل جرم شمرده می‌شود و مرتکب آن علاوه بر اینکه از حقوق مندرج قانون انتخابات مانند رأی دادن و انتخاب شدن و محروم می‌گردد به حبس متوسط نیز به عنوان مجازات کیفری محکوم می‌شود.

ب- عنصر مادی: عمل مادی این جرم شامل استفاده از کارت رأی دهی جعلی و تزویر شده می‌باشد و این جرم تنها با فعل مثبت انجام می‌گردد و با ترک فعل محقق نمی‌شود و همچنین این جرم از جرایم مقید به نتیجه شمرده می‌شود لذا برای تحقق کامل این جرم اولاً باید جعلی بودن کارت رأی دهی اثبات شود و ثانیاً عمل رأی دهی به اتمام رسیده باشد یعنی شخص با استفاده از سند یاد شده ورقه رأی دهی را اخذ کرده و در صندوق رأی دهی انداخته باشد. بنابراین اگر قبل از مرحله فوق مورد شناسایی و دستگیر شود صرفاً به عنوان شروع به این جرم قابل مجازات است.

ج- عنصر معنوی: رکن معنوی این جرم عبارت است از علم و آگاهی فرد به جعلی و یا مخدوش بودن کارت رأی دهی و استفاده آگاهانه این سند جعلی برای رأی دادن و مجرمانه بودن این عمل.

۲-۲. رأی دادن به جای شخص دیگری

طبق قانون انتخابات حق رأی دهی قائم به خود فرد است که شخص واجد شرایط رأی دهی شخصاً به مرکز رأی مراجعه و به اساس تذکره تابعیت یا سندی که توسط کمیسیون به منظور تثبیت هویت وی مشخص گردیده است، نام خود را در فهرست رأی دهندگان ثبت می‌نماید. در روز رأی دهی نیز رأی دهند، خودش شخصاً جهت رأی دادن در مرکز رأی دهی که قبلاً برای رأی دادن ثبت نام نموده است حاضر شود و برای اخذ

ورق رأی دهی، تذکره تابعیت یا سندی را که توسط کمیسیون به منظور تثبیت هویت او مشخص گردیده است به مأموران موظف در محل رأی دهی ارائه نماید و بدون واسطه رأی خود را به صندوق بیندازد و صرفاً برای پیدا کردن نام و نشانی انتخاباتی کاندید مورد نظر خود از افراد دیگر می‌تواند کمک بگیرد (قانون انتخابات، ۱۳۹۵: ماده ۶). قانون‌گذار به منظور حمایت از انتخاب آگاهانه و اعمال اراده آزاد افراد، رأی دادن به جای دیگری را جرم دانسته است. در ادامه ارکان این جرم بررسی می‌شود.

الف- عنصر قانونی: رأی دادن با کارت هویت دیگری در ماده ۴۳۰ کد جزا جرم شناخته شده است و برای آن مجازات حبس قصیر پیش بینی شده است.

ب- عنصر مادی: این جرم صرفاً با فعل مثبت مادی تحقق می‌یابد و از جرایم مقید به نتیجه محسوب می‌شود. لذا مرتکب باید علاوه بر ارائه سند رأی دهی دیگری، رأی خود را نیز به صندوق مخصوص رأی دهی انداخته باشد و در غیر این صورت صرفاً می‌تواند به عنوان شروع به این جرم قابل تعقیب باشد.

ج- عنصر معنوی: در این مورد باید گفت مرتکب باید قصد انجام عمل مجرمانه را داشته باشد به این معنای که در صورتیکه مرتکب تصور یم کرده است کارت رأی دهی متعلق به خودش می‌باشد نمی‌توان وی را مجرم دانست. همچنین رضایت صاحب اصلی کارت نیز در عدم تحقق جرم شرط نمی‌باشد و بلکه اگر صاحب اصلی سند یاد شده مرتکب را تشویق کرده باشد و از وی خواسته باشد که این عمل را انجام دهد و صف مجرمانه عمل باقی می‌باشد و می‌توان صاحب اصلی سند یاد شده را به عنوان معاون جرم قلمداد کرد.

۳) خرید و فروش رأی

یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های متداول جرایم انتخاباتی در کشورهای مختلف، موضوع خرید و فروش آراء است، این موضوع علیرغم وضع قوانین جزای سنگین، همچنان تهدید بسیار جدی برای مخدوش نمودن نتایج انتخابات به شمار می‌آید. (رحیمی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۰۶). خرید و فروش از نظر حقوق بیع گفته می‌شود، بیع در بند ۱ ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی عبارت است از: «تملیک مال از طرف بایع به مشتری در مقابل مالی که ثمن مبیعه می‌باشد». مال نیز یعنی چیزی که دارای ارزش باشد و در قبال آن عوض پرداخت شود (الزحیلی، ۱۴۱۸=۱۹۹۷: ج ۴، ۲۸۷۷). بنابراین، رأی نیز به عنوان یک اعتبار و امتیاز دارای ارزش است و عرفاً پرداخت مال در مقابل آن، صحیح دانسته می‌شود، لذا می‌تواند موضوع معامله قرار گیرد. به همین دلیل قانون‌گذار نیز عمل یاد شده را خرید و فروش اطلاق نموده است. به هر حال معامله رأی در کد جزا جرم انگاری شده است و ارکان آن در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- عنصر قانونی: جرم خرید و فروش رأی در قانون انتخابات ۸۴ و ۹۲ پیش بینی نشده بود و برای اولین بار در فقره ۱۵ بند ۱ و فقره ۹ بند ۲ ماده ۹۶ قانون انتخابات ۹۵ جرم انگاری گردید. پس از آن با تصویب کدجزا

در ماده ۴۳۱ این قانون نیز مورد جرم انگاری قرار گرفته و در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که رأی را خرید یا به فروش رساند، به حبس متوسط تا سه سال، محکوم می‌گردد» این ماده اکنون به عنوان وصف قانونی جرم یاد شده به شمار می‌آید.

ب- عنصر مادی: هر چند اوضاع و احوال و شرایط جرم یاد شده در کد جزا بیان نشده است، اما با توجه به اصول حقوق و مفهوم خرید و فروش رأی می‌توان گفت منظور تطمیع رأی دهندگان و جلب رضایت آنها از طریق پرداخت پول نقد، و یا هرگونه مال و یا تعهدی دیگری می‌باشد، به نحوی که رأی دهندگان به خاطر آن، به کاندید مورد نظر رأی دهند. با توجه به این مطلب برای تحقق این جرم وجود شرایط لازم است از جمله اینکه رأی دهندگان باید رأی را حتماً به صندوق بیندازند تا جرم یاد شده محقق شود و همچنین وحدت قصد میان خریدار و فروشنده وجود داشته باشد به این معنا که هر دو به یک قصد اقدام به این عمل نمایند مثلاً در صورتی که کاندیدای خاصی پول برای تبلیغات به یک منطقه پرداخت نماید و رأی دهندگان برداشت تطمیع و اقدام به رأی دادن نمایند جرم محقق نمی‌شود؛ و همچنین به صرف دادن وعده جهت ایجاد یکسری تسهیلات و پروژه‌های بدون پرداخت وجه یا مالی برای انجام آن وعده از حساب شخصی جرم محقق نمی‌گردد. (شاهین‌پور، پیشین: ۸۷). و هم چنین به باور برخی نویسندگان با توجه به اصل تفسیر مضیق در قوانین جزایی چنانچه در قالب معامله دیگری غیر از بیع از قبیل صلح یا هبه اشخاص برای جلب نظر رأی دهندگان پول نقد یا مالی پرداخت نماید نیز جرم یاد شده محقق نمی‌شود (رحیمی مقدم، پیشین: ۱۰۸).

ج- عنصر معنوی: در مورد رکن معنوی این جرم باید گفت شده است که سوء نیت عام به معنای خواست انجام عمل مجرمانه کفایت می‌کند و جهل حکمی مانند سایر موارد رافع مسئولیت نمی‌باشد مثلاً مردم یک روستا نمی‌توانند با این ادعا که از مفاد قانون انتخابات بی اطلاع بوده اند از خود رفع مسئولیت نمایند (شاهین‌پور، پیشین: ۸۸). علاوه بر آن چنانکه بیان شد وحدت قصد در تحقق این جرم نیز شرط است یعنی هر دو طرف معامله به قصد خرید و فروش غیر قانونی رأی اقدام به انجام این عمل نمایند و اما در صورتی که مثلاً گیرندگان پول از قصد تطمیع کننده آگاهی نداشته باشد از حیث جزایی نمی‌تواند مجرم دانست.

ع) تهدید، تخویف و اعمال فشار در فرایند انتخابات

تهدید و تخویف به معنای ترسانیدن است که ممکن است از طریق گفتار (مانند استفاده از الفاظ و جملات ترس‌آور)، نوشتار (به صورت کتبی یعنی نوشته یا تصاویر ترسناک) یا فعل (به صورت انجام اعمال و حرکاتی ترس‌آور مانند؛ استفاده از سلاح و یا قراردادن اشیای ترس‌آور در منزل دیگری) باشد (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۷۲؛ یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۱ و ۱۳۲). تهدید در حقوق جزای عمومی معمولاً از عوامل محرک مباشر جرم شمرده می‌شود و نقش فرد تهدید کننده اغلب در حد معاونت در جرم تعیین می‌گردد، اما در موارد نیز ممکن است به دلیل

اهمیت آثار آن از سوی قانون‌گذار به عنوان جرم مستقل قلمداد شود، از جمله در ماده ۹۹ قانون انتخابات ۱۳۹۵ و ماده ۴۲۲ و بند ۲ ماده ۴۲۳ کد جزا تهدید و تخویف به عنوان جرم مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است، در ادامه عناصر این جرم بررسی می‌گردد.

الف- عنصر قانونی: جرم تهدید و ترساندن در امر انتخابات در جزء ۱ و ۳ بند ۱ ماده ۹۹ قانون انتخابات جدید جرم‌انگاری و برای مرتکب آن در بند ۲ همین ماده مجازات حبس قصیر بیش از ۳ ماه تا ۵ سال پیش بینی شده بود. پس از آن با تصویب کد جزا این جرم در ماده ۴۲۲ و بند ۲ ماده ۴۲۳ این قانون پیش بین گردید. بنابراین در حال حاضر مواد یاد شده از کد جزا به عنوان عنصر قانونی جرم تهدید و تخویف در فرایند انتخابات به شمار می‌آید.

ب- عنصر مادی: عمل مادی این جرم همان‌گونه که ذکر شد ممکن است به صورت شفاهی، کتبی و یا عملی باشد و این جرم ممکن است از سوی افراد نظامی و یا افراد عادی و رای دهندگان ارتکاب یابد. جرم تهدید از جرایم مطلق است لذا نیازی به تحقق عمل موضوع تهدید نیست و به صرف تهدید از طریق اعمال یاد شده جرم محقق می‌شود. البته باید میان حالت روانی مباشر جرم و رأی دهنده‌ای که وادار به ارتکاب عمل می‌شود باید رابطه سببیت وجود داشته باشد، به عبارت دیگر بیم و اضطراب ناشی از تهدید در فرد، او را مصمم به رای دادن به فرد مورد نظر تهدید کننده نماید. نکته دیگر اینکه موضوع تهدید باید یک عملی غیر قانونی و نامشروع باشد و دامنه شمول این تهدید فراتر از خود فرد است و شامل بستگان او نیز می‌باشد (شاهین‌پور، پیشین: ۹۶).

ج- عنصر معنوی: تهدید از جرایم عمدی است و مستلزم وجود سوء نیت به صورت عمد در انجام عمل ترس آور است. که لازمه آن علم به ترس آورد بودن عمل می‌باشد، پس اگر مرتکب تصور کند که عملش ترس آور نیست و به هدف شوخی آن را انجام دهد رکن روانی کامل نخواهد بود. اما اگر علم به ترس آور بودن داشته باشد، انگیزه شوخی تأثیری در سوء نیت ندارد. هم‌چنین لازم نیست که تهدید کننده واقعا قصد اجرای تهدید خود را داشته باشد (یزدیان جعفری، پیشین: ۱۳۴).

۵) مداخله غیر قانونی در اموری انتخابات

در قانون اساسی و قوانین مربوط به انتخابات برای اجرای درست انتخابات و تضمین سلامت آن، نهاد خاصی را تحت عنوان کمیسیون مستقل انتخابات برای برگزاری انتخابات معین کرده است و افراد حقیقی نیز تنها در قالب نهاد یاد شده و با تشریفات و مجوز قانونی از سوی آن حق دخالت در انجام امور انتخابات را دارد. مداخله غیر قانونی ممکن است در مراحل مختلف انتخابات از سوی افراد عادی، یا متصدیان امور انتخابات و یا از سوی کاندیدان صورت گیرد که می‌تواند مصادیق مختلف داشته باشد؛ از جمله دخالت با

سمت مجعول و یا دخالت با سند مجعول و یا دخالت از طریق تهدید و تطمیع و پرداخت رشوه و مانند آن. اما در قوانین مربوط به انتخابات به صورت روشن همه موارد یاد شده دیده نمی شود. و تنها دخالت و نفوذ از طریق پرداخت رشوه و مداخله در سیستم های نرم افزاری و یا سخت افزار در مرکز جمع بندی نتایج مورد جرم انگاری قرار گرفته است که در ادامه به بررسی بیش تر آن ها پرداخته می شود.

الف- عنصر قانونی: جرم مداخله و نفوذ از طریق پرداخت رشوه در جزء ۲ بند ۱ ماده ۹۹ قانون انتخابات ۹۵ جرم انگاری شده است و در جزء ۲ بند ۲ همین ماده به مجازات حد اکثر حبس قصیر یعنی ۵ سال و محرومیت از حقوق مندرج در قانون قانون انتخابات پیش بینی کرده است. هم چنین جرم مداخله در سیستم سخت افزار و نرم افزار مراکز جمع بندی نتایج به صورت غیر قانونی در جزء ۹ و جزء ۵ این ماده جرم انگاری و برای آن مجازات حبس از ۱ ماه تا ۱ سال در نظر گرفته شده است. ولی پس از آن در کد جزا جرم مداخله و نفوذ از طریق رشوت در ماده ۴۲۳ کد جزا مورد جرم انگاری قرار گرفته است و برای آن مجازات حبس متوسط در نظر گرفته شده است. و همچنین جرم مداخله در سیستم نرم و افزار و سخت افزار مراکز جمع بندی نتایج در ماده ۴۲۶ جرم انگاری شده است و برای آنان مجازات حبس متوسط بیش از ۳ سال پیش بینی شده است. بنابراین مواد یاد شده از کد جزا به عنوان رکن قانونی جرم مداخله در فرایند انتخابات به شمار می آید.

ب- عنصر مادی: هر چند جرم مداخله در فرایند انتخابات چنان که ذکر شد می تواند مصادیق متعدد داشته باشد و به طرق مختلف محقق شود. اما به دلیل محدود بودن حجم مقاله و تصریح قانون فقط به دو مورد در اینجا پرداخته شده است. این جرم ممکن است به لحاظ روشی از طریق پرداخت رشوه انجام شود و پرداخت رشوه نیز شامل پرداخت پول نقد، دادن امتیاز و سپردن وعده قطعی و مانند می باشد. جرم مداخله در سیستم نرم افزاری و سخت افزاری سیستم مراکز جمع بندی نیز در مراحل مختلف آن قابل تصور است مانند مداخله در نحوه تنظیم سند نتایج آرا و موارد مانند آن.

ج- عنصر معنوی: این جرم نیز از جرایم عمدی محسوب می شود و باید مرتکب به صورت آگاهانه قصد و اراده ارتکاب فعل مجرمانه مداخله غیر قانونی را داشته باشد و همچنین مرتکب از غیر قانونی بودن عمل خودش آگاه باشد. بنابراین به گفته یکی از نویسندگان اگر فردی مجوزی قانونی دخالت در امور انتخابات را از سالهای گذشته داشته باشد و به گمان اینکه مجوز وی حالا نیز دارای اعتباری قانونی می باشد و اقدام به اعمال دخالت نماید نمی توان وی را مجرم دانست. (شاهین پور، پیشین: ۹۳) از نظر قانون انتخابات این رفتار صرفاً به عنوان تخطی قابل بررسی می باشد. در مورد جرم رشوه نیز آگاهی و اراده مرتکب برای پرداخت رشوه به قصد دخالت و نفوذ و همچنین پرداخت مورد رشوه در تحقق این جرم شرط است.

نتیجه

در جمع بندی می توان گفت: انتخابات در افغانستان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و به عنوان نماد مردم سالاری، بستری مناسب برای مشارکت مردم در عرصه های تصمیم گیری و گزینش متصدیان اعمال قدرت سیاسی به شمار می آید و هم چنین وسیله برای مهار قدرت و استبداد و تحقق بسیاری از اصولی قانون اساسی و تضمین کننده ثبات سیاسی و عدالت اجتماعی برای جامعه چند قومی افغانستان تلقی می شود. قانونگذار افغانستان نیز بادرک این امر، تدابیر مختلفی را در قانون انتخابات ۱۳۹۵ و کد جزا برای تضمین سلامت و حمایت از شفافیت انتخابات، پیش بینی کرده است. رفتارهای مخل فرایند انتخابات را از سوی همه بازیگران انتخابات و به خصوص رای دهندگان به عنوان رکن اصلی این پروسه ملی و تأثیرگذار در سلامت آن، تحت عنوان تخطی، تخلف و جرایم انتخاباتی ممنوع ساخته و برای آن ها ضمانت اجراهای تاحدودی مناسب مد نظر گرفته است. با وجود این چالش ها و خلأهای قانونی نیز در این زمینه مشاهده می شود از جمله عدم جرم انگاری، برخی رفتارهای مخل امر انتخابات مانند استفاده از سند جعلی برای نفوذ و مداخله در امور انتخابات، قتل و ضرب و جرح در فرایند انتخابات و هم چنین ابهام و کلی بودن موارد که تحت عنوان سه گانه یاد شده ممنوع شده است.

فهرست منابع

۱. انوری، حسن و همکاران، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۲. الجزیری، عبدالرحمن، غروی، السید محمد، مازح، الشیخ یاسر، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، بیروت، دارالتقلین، چاپ اول، ۱۹۹۸=۱۴۱۹.
۳. دانش، سرور، حقوق اداری افغانستان، کابل، مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا بلخی، ۱۳۹۲.
۴. رحیمی مقدم، مرتضی، جرایم و مجازات‌های انتخاباتی و ضمانت‌های اجرایی آن در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۱.
۵. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، چاپ چهارم، ۱۹۹۷=۱۴۱۸.
۶. زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵.
۷. شیخ الاسلامی، عباس، پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و مدیریت آن، چکیده مقالات علمی کاربردی پیش‌گیری از جرم، مشهد، ۱۳۸۸.
۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۹. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۲۰۰۹.
۱۰. قاضی، ابوالفضل (شریعت پناهی)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ سی‌ام، ۱۳۸۷.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، کابل، م ۱۴ جلدی ۱۳۸۲.
۱۲. قانون انتخابات، کابینه جمهوری اسلامی افغانستان، منتشره در جریده رسمی شماره ۱۲۲۶، م ۶/۱، ۱۳۹۵.
۱۳. قانون انتخابات، مجلس عالی وزرا، منتشره در جریده رسمی شماره ۸۵۰، م ۱۳۸۴.
۱۴. قانون انتخابات، هیأت‌مختلط مجلسین شورای ملی، منتشره در جریده رسمی شماره ۱۱۱۲، م ۴/۲۴، ۱۳۹۲.
۱۵. کد جزا، کابینه جمهوری اسلامی افغانستان، منتشره در جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، م ۱۲/۱۲، ۱۳۹۶.
۱۶. لایحه رای دهی انتخابات ولسی جرگه و شواهای ولسوالی، کمیسیون مستقل انتخابات، ۱۳۹۷.
۱۷. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸.
۱۸. یزدیان جعفری، جعفر، مختصر حقوق کیفری اختصاصی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.